

و باید فرایمان بلند می شد اما چه کردیم؟ برخی نیاز نداشتند به آن ها دادیم و برخی باید بیشتر کمک می شدند و ندادیم. اینجا جای غصه است. ما مردم را عادت دادیم همیشه دست نیاز شان به سوی دولت مردان دراز باشد و عزت مردم را خرد کردیم. میلیون ها نامه از مردم آمد. برای هر کاری از دولت انتظار داشتند و مردم التماس می کردند. این تحقیر مردم و خرد کردن شخصیت آن ها نبود؟ اگر واقعا دفاع از حقوق شهروندی و عزت مردم است آیا این کار ها نشده بود؟ تازه بعضی مدل می دهند که مثل باران نقدی عمل می کردیم و به حساب مردم می ریختیم. این از تبلی و بی عزتگی و عقب ماندگی ماست که این کار را می کردیم. ما بلد نبودیم دهک ها و طبقات اجتماعی را مشخص کنیم. لیست همه کشور را گرفتیم و الان چند صد هزار نفر بیشتر از جمعیت کشور به خارج نشینان و تعدادی از اموات هم یارانه می دهیم و به همه هم یکسان بایک دکه پول می دهیم و عملا تورم ایجاد می کنیم و فکر می کنیم هنر داریم. بخش بزرگی از تورم سه سال گذشته ناشی از همین پول یارانه هاست. چرا دنبال یک روش بهتر نرفتیم؟ اینکه ما مردم را فقیر کردیم بیشتر تحقیر شدند و حقوقشان ضایع شد تا اینکه یک سید دادیم. اگر می خواهیم منصفانه و صادقانه قضاوت کنیم اگر چه با این نوع توزیع موافق نبودم اما دولت آمد گفت اگر پول بدهم تورم ایجاد می شود و چون سلامت غذایی و تغذیه از مشکلات مردم محروم است، با این سید کالا کمکی کرده باشم و رفت دنبال این کار و عجله داشت تا قبل از ۲۲ بهمن این اقدام صورت بگیرد اما بانکهای اطلاعاتی ما و شبکه توزیع ما کامل نبود و در این کار بزرگ این راه چشم دیدیم و این ضعف را در این زمینه ها دیدیم. من معتقدم ضعف و کمبود داشتن برای کشور بد است نه سر باز زدن از مشکلات و دیدن این کمبودها. در این سید این مشکلات مشخص شد. البته اگر وقت بیشتری داشتیم و دوستان توصیه ها را بیشتر گوش می دادند شاید به این شکل نمی شد. البته باید به مردم هم توصیه می کردیم و از رسانه ها استفاده می کردیم تا مشکلات کمتر باشد. همچنان که من پروژه سهمیه شدن بنزین را اجرا کردم که آنجا هم مشکلاتی بود اما با کمک رسانه ها و صدا و سیما به سرعت جمع شدند.

اجازه بدید سوالی هم درباره انتخابات ریاست جمهوری بازدهم بپرسم شما یکی از کاندیداهای اصولگرایان و به طور مشخص جبهه پیران در این انتخابات بودید که بر اساس مکانیسم داخلی نظر سنجی و رای گیری کنار کشیدید هر چند حرف و حدیث هایی در آن باره مطرح شد و حتی ۲ نفر از ۵ کاندیدای جبهه را سا اعلام کردند نتیجه هر چه باشد ثبت نام می کنند و از سوی دیگر هم قرار شد از آن مثلث سه نفره حداد عادل، قالیباف و ولایتی یک نفر بیاید اما سرانجام نشد. چرا اصولگرایان این گونه عمل کردند؟ واقعا نمی شود انتقاد همیشگی که به اصلاح طلبان وارد می کنند که با نظر و خواسته مردم بیگانه هستند را به آن ها وارد دانست آن ها فکر می کردند که هر چه باشد اصولگرایان برنده می شوند؟

به هر حال تقدیر این بود که آقای روحانی پیروز شود و به ایشان تبریک می گویم. در فعالیتهای سیاسی هر چقدر شفافتر، همگرا تر و با انسجام بیشتری وارد شوند احتمال پیروزی بالاتر است.

البته جواب شما با توجه به حضور تان در تیم مقابل (تیم روحانی) قابل درک است.

البته آقای روحانی تیم مقابل نیست و در واقع ثمره رقابت جناح اصولگرا و جناح اصلاح طلب این شد که یک چهره مستقل میانه پیروز شود.

این شایعه که شما با آقای روحانی معامله ای کردید و کنار کشیدید که با حضور شما در پست وزارت دادگستری پررنگ تر شد. نظر خودتان چیست؟

ما ۵ نفر بودیم و همگی کنار رفتیم و به واقع این نبوده و می دانید که من ساعت های آخر و با پیشنهادر رییس قوه قضاییه و پیگیری رییس مجلس و با اصرار به عنوان وزیر دادگستری مطرح شدم و اگر می خواست صحبتی برای وزارت شود، دادگستری کمترین احتمال را داشت. در واقع من نتیجه اجماع سران قوا بودم و بار روحانی هم از قدیم رفیق بودم و اشتراک دیدگاههای زیادی داشتیم.

موافقم و با این که قاطعانه باید آن ها را عقب برانیم موافقم. اما با اینکه نیروهای خود را تضعیف کنیم و روحیه آن ها را خراب نماییم مخالفم. بسیاری از تعبیر در مورد تیم هسته ای و توافق ژنو را غیر واقعی و غیر کارشناسانه می دانم. این مجالی است که همچنان هم نگرانی ما باقی است. اجمالا هم از توافق مقدماتی و اقدام مشترک راضی هستیم و هم با برنامه عمل مذاکراتی توافق اصلی موافقم و آن را مثبت ارزیابی می کنم و با خود دوستان مذاکره کننده هم که صحبت می کنیم در اینکه باید بهتر از اینها باشد تردیدی ندارند اما اینکه باید بهتر شود تردید نداریم اما اینکه توان بیشتر از این در مذاکرات هست باید کمک کنیم چون میدان چالشی مثل کشتی است یعنی ممکن است نفر شاقوی ترین باشد اما نباید فن بخورد و باید کمک و تشویق کرد تا پیروز شود.

بعضی می گفتند که اگر این توافق شکل نمی گرفت یا مذاکرات انجام نمی شد ممکن بود کار دست تندرو هادر کنگر ما بر یکایار بیم صهیونیستی بیفتد و روند به سمت جنگ حرکت کند. تا چه حد با این تحلیل موافق هستید؟

تاریخ آمریکا و اسرائیل نشان داده ما چرا جو هستند. قلدرهای کم عقلی هستند و به راحتی جهان را به آتش می کشند که کشیده اند و در اطراف ما سایر نقاط دنیا می بینیم. معنی این حرف این نیست که اگر به ما حمله کنند در جامی ز نیم یا تسلیم می شویم اما حتما آسیب می بینیم و خود آن ها می گویند که ایران مثل دیگران نبوده و آینده درگیری نظامی با ایران را نمی توانیم پیش بینی کنیم. می گویند می توانیم ضربات جدی به ایران بزنیم اما معلوم نیست تمام کردن جنگ با ما باشد و ما یا هم پیمانان ما ضربه ای نخورند. واقعیت آن است که ما حتما از خود دفاع می کنیم و به دشمن ضربه می زنیم اما حتما آسیب های جدی هم می بینیم. پس عقل، حکمت و منطق دینی و منطق کشور داری می گوید که با تمام انرژی و فهم و دریافت تلاش کنیم تا بهانه را از قلدر های کم مغز بگیریم و اجازه ندهیم بهانه گیری و ماجراجویی کنند و در یک مقطعی بایک تصمیم احمقانه و وحشی گری حمله کنند. آن ها با ادعای دروغ به عراق حمله کردند. اگر چه ماعراق نیستیم اما در آنجا هم سودی نداشتند و آدم های بی عقلی که چنین تصمیماتی می گیرند و با هزینه زیاد افراد زیادی را به کشتن می دهند نباید این ها را حرکت و تحریک شان کرد و ممکن است این دیوانگی را جای دیگری هم تکرار کنند. این به معنی ترس بودن ما نیست و در مقابل صدام وضد انقلاب این را نشان دادیم اما اصل کشور داری بر حکمت و عقلانیت است و باید زور و جسارت و قدرت و شجاعت داشته باشید اما همه این ها باید در سایه عقل و حکمت و تدبیر باشد و سیاستی است که در حال تعقیب آن هستیم.

خیلی ها وقتی اسم شما به عنوان یک چهره اصولگرا به عنوان گزینه وزارت دادگستری اعلام شد تعجب کردند شما چقدر با این انتقاد دیگر دوستان اصولگرایان که عزل و نصب های دولت را یک طرفه و به دور از عدالت می دانند موافق هستید؟

من خودم خیلی به جابجایی اعتقاد ندارم و در وزارت دادگستری هم همین طور عمل کردم اما دوستان اصولگرای ما که اینقدر انتقاد می کنند فراموش کردند که در دولت گذشته چقدر جابجایی انجام شد. خود من در وزارت کشور با بسیاری از جابجایی ها مخالف بودم اما با زور و فشار دوستان از درون دولت عزل و نصب هایی داشتیم. و در وزارت کشور دولت نهم حداقل بیشتر از حالا بود. اما طبیعی است که برخی تغییرات ناشی از تغییر تفکرات است و نباید خیلی سخت گرفت. اگر مردم این تیم را می خواستند که به تغییر اترای نمی دادند. اصلا محبوبیت مردم سالاری و دموکراسی در دنیا به خاطر همین تغییر و چرخش قدرت و مدیریت هاست. البته برخی دوستان می خواهند انتقاد کنند و باید تحمل کرد.

یکی از همین انتقادات به سید کالا بر می گشت. شما چقدر موافق این طرح بودید؟

من مدافع سید کالا به این شکل نبودم و از اول هم که در دولت نظر دادم قیدها و شرایطی را مطرح کردم اما با این انتقادات گسترده هم مخالف بوده و خیلی از آن ها را بی انصافی می دانم. مادر کشور ۱۳۰ هزار میلیارد تومان پول یارانه دادیم که حداقل ۳۰ درصد آن اضافه بوده است که می شود ۳۹ هزار میلیارد تومان

رسانه های ما باید بدانند که از نظر فنی هر چقدر به مساله حصر بپردازند کمکی به حل آن نخواهند کرد. پرداختن بیشتر به این مساله کمکی به حل آن نیست

آقای روحانی تیم مقابل نیست و در واقع ثمره رقابت جناح اصولگرا و جناح اصلاح طلب این شد که یک چهره مستقل میانه پیروز شود

توافق بوده ایم شمال البته از مدافعان این توافق بوده اید البته در یکی از نشست های تان با حقوقدانان بسیجی اعلام کردید که بالاخره توان ما حقوقی ما همین قدر است و شاید زورمان نرسیده) به طور مشخص این حرف شما یعنی چه؟ می توانیم بگوییم توافق ژنوا شکالات جدی دارد؟

اولا این تعبیر زورمان نرسیده مال من نبوده و فقط نوار را قبول دارم (خنده). اما باید گفت نظام به هر دلیلی وار داین مذاکره شده و تصمیم همه بوده است. من جدای از اینکه تسلیم این تصمیم هستم و حمایت از باب تصمیم نظام دارم ضمنا جزو مدافعان تحلیل این تصمیم هستم و آن را درست می دانم. تعدادی اصل مذاکره را قبول ندارند یا می گویند فقط برویم مذاکره و جواب سر بالا بدهیم یا شعار و بیانیه بدهیم. برویم مذاکره و سفت روی مواضع خود بایستیم و برگردیم و بگوییم کاری به نتیجه نداریم و ما تکلیف خود را انجام می دهیم. این منطق را نمی پذیریم و قابل دفاع نیست. کشور و ملت منافع و حقوقی دارند باید به عنوان مسئول از آن ها دفاع کنیم. ممکن است اگر موضوعی را رها کنیم منفعتی نداشته باشد و ضرری هم نبینیم اما این پرونده این جور نیست و اگر رها کنیم نه تنها نفعی ندارد بلکه ضرر های بیشتری را دریافت خواهیم کرد. نمی توانیم خود را کنار بکشیم و باید وسط میدان برویم. میدان هم میدان مذاکره و سیاست است نه میدان مشت زنی و جنگاوری، پس ضرورت دارد به این میدان وارد بشویم. طبیعی است که طرف مقابل هم اهرم های قوی از جمله فضای سیاسی، قطعنامه های قدرتمند و روابط ظالمانه که به ما تحمیل کرده در دوش را برادر زمینه های اقتصادی و تجاری بر ما سخت کرده است. از طرفی بهانه دارد که ایران می خواهد بمب بسازد. اگر ما تصمیم به بمب سازی داشتیم حاضر بودیم هزینه ها را بدهیم اما این برنامه را نداریم و نظر همه این است که فناوری و دانش هسته ای برای ما مهم است و نیازی به بمب نداریم. طرف مقابل هم روی همین حساس است و می توانیم همین را عملیاتی کنیم. اگر راست می گوید باید به سمتی برویم که تضمین های مناسب بدهیم تا خیالش راحت شود و بهانه نداشته باشد و اگر هم بهانه گیری می کند حداقل در افکار عمومی دنیا از خود دفاع کنیم و در داخل هم به مردم بگوییم که دشمن دروغ می گوید که از بمب نگرانم و حرف های دیگری دارد و دنبال اصل و موجودیت ماست. وقتی پای مذاکره می رویم طبیعی است که او دنبال امتیاز گیری بیشتری است و ما هم می خواهیم امتیاز کمتری بدهیم. دیگر این به سر باز و سر داران میدان دیپلماسی بستگی دارد. ما اعتماد داریم که این سر بازان جدید و جسورند اما معنی آن این نیست که طرف مقابل ضعیف است و اینها پیروز می شوند بلکه نیازمند کمک و پشتیبانی و مساعدت از نظر سیاسی و روانی و تکنیک دیپلماتیک هستند و هم اقداماتی که باید انجام شود تا بتوانند دست بالا را در مذاکرات داشته باشند. این طور نیست که حتما هر چیزی که می خواهیم در مذاکرات به دست آوریم اما عزم و انگیزه آن ها روشن است و تردیدی نداریم. من با هر چیزی که ناشی از بدبینی نسبت به طرف مذاکره و دشمنان ما باشد موافقم. هر چه در نیت آن ها و اعتماد به آن ها شک داشته باشیم حتما